چرایی اسطوره‌سازی از غنی‌نژاد

تفکری که انسان را ایدئولوژیک و بعد محو می‌کند

سید جواد نقوی
شریکار گروه ایده حکمرانی

مجله تجارت فردا در آخرین شماره خود به ستایش از موسی غنی‌نژاد پرداخته و تیتری را تحت‌عنوان در سنگر آزادی کار کرده است. اصل ایده این شماره مجله مجدد به تقابلی از علی شریعتی و موسی غنی‌نژاد اشاره کرده و مجله معتقد است علی شریعتی که زمانی در مذمت فردگرایی و اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی سخنرانی کرده و باعث شده جوانان عاشق نظرهای احسانی و شوند و حالا و دیگر در نسل جوان امروزی جایی ندارد و جوانان این دوره دیگر حامی آزادی، عقلانیت و رقابت هستند. به همین جهت متفکر این عصر کسی نیست جز غنی‌نژاد که در حکم ناجی جوانان این دوره ظهور کرده است و بسیاری از افراد این روزها اندیشه‌ای را از طریق اینستاگرام، توییتر و یوتیوب دنبال می‌کنند. این کلان روایتی است که مجله تجارت فردا دنبال کرده است، و به این بهانه و چنین طرح بحثی که از اساس دقیق نیست، در این یادداشت قصد دارم توضیحاتی ارائه کنم که اصلا این دوگانه چرا توهمی است و این مجله و دیگر لیبرال‌های وطنی در سال‌های اخیر چرا سعی دارند در چنین فرمی خود را معرفی کنند و ماحصل چنین طرح‌بحث‌هایی چیست؟ لیبرال‌های وطنی که به‌شکل مدافع سرسخت غنی از نظم اقتصادی هستند که تا حدودی شبیه به نئولیبرالیسم است در مقطع فعلی از طرح چنین سوءدایی به‌دنبال چه ارزش افزوده‌ای برای خود هستند؟ بقاء شکلی از لیبرالیسم که در داخل کشور ما خیلی شبیه به عمل نئولیبرالی در سرتاسر جهان است با تفاوت‌هایی که البته احتمالا آگاهانه نیست اما با این پرسش که نسل امروز چگونه از شریعتی به غنی‌نژاد رسید در پس چه دستاورد سیاسی‌ای هستند؟

دوگانه کاذب نوعی بقای سیاسی است

ابتدا باید نوشت که اصلا براساس چه آماری امروز جوانان علاقه‌مند به موسی غنی‌نژاد شده‌اند؟ چه آماری و چه میزان تیراژی در میدان‌هایی واقعی برخاسته از افکار موسی غنی‌نژاد است و از چه گروه‌هایی را نمایندگی می‌کند؟ تقریبا می‌توان گفت آمار دقیق و روش‌مندی وجود ندارد، در ضمن هیچ گروه یا نحله‌های دانشجویی یا سیاسی به جز حزب کارگزاران به‌صورت مستقیم از اندیشه‌های او استفاده نمی‌کنند و شاید عمق آشنایی جامعه با غنی‌نژاد صرفا از مناظره با علی علیزاده در شبکه ۴ و احتمالا کلیپس از او درباره عدم کودتا در سال ۱۳۳۲ است و مقایسه او با علی شریعتی در دهه ۵۰ نوعی برساخت دروغین است برای آنکه کنش سیاسی غنی‌نژاد را دیگری شریعتی معرفی کنند. دست به چنین طرحی زده شده است و قصد دارند از دیگری شریعتی شدن برای او نوعی برندینگ خلق کنند. این عمل نوعی ماندگاری در صحنه سیاسی است که پروپاگاندای حامی ایده‌های غنی‌نژاد سعی دارد برای او در این مقطع اینرژیا بخرد. درحالی‌که در صحنه نخبگانی هم ایده‌های او اصلا مورد توجه نبوده یا در قیاس با افرادی مثل سید جواد طباطبایی، داوود فیرحی و داریوش شایگان تقریبا فردی مثل علی‌نژاد اصلا اهمیت زیادی برای این قشر هم به ارمغان نیاورده است، چه برسد موج‌سازی افکار او در نسل جدید و ایضا جامعه جوان که این روزها بیش از آنکه به ایده‌های اقتصادی توجه کنند، به‌دنبال نوعی نشان دادن زیست خاص خود به جامعه هستند.

میان مصلح اجتماعی با مدافع یک خوانش رادیکال از لیبرالیسم فرق است

علی شریعتی در معنای جامعه شناختی در کمتر از یک دهه با قدرت رتوریک، خلاقیت بالایی در واژه‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های تاریخی، سیاسی و سنتی توانسته بود افق گشایی جدید و خوانشی به‌طورکلی متفاوت از اسلام را در ایران رواج دهد که از فقیهان سنتی تا نواندیشان دینی درباره ایده‌های او به نقد و بررسی پرداخته‌اند. در بسیاری از افق‌آنگاری که مدتی است افراد با ایده‌های شریعتی باعث تحولاتی در سطح انسان‌شناختی و اجتماعی شده است. یکی انگاری چنین فردی با موسی غنی‌نژاد که می‌تواند از یکی از نحله‌های لیبرالیسم که شکلی رادیکالیزه‌شده آن هم است، دفاع می‌کند، نوعی خطا راهبردی است. چگونه فردی راکه در بین جنبد متفکرمهم برای تعریف اسلام سیاسی است، با فردی که نهایت موردی امروز ایده‌های فوت هایک است یک باید فرض کرد؟ غنی‌نژاد نه‌تنها هیچ حرف و مسائله جدیدی ندارد، بلکه برخی مواقع شبه علمی و ایدئولوژیک از اندیشه‌هایی فردریش فون هایک به‌عنوان نسخه شفای بخش اقتصاد ایران دفاع می‌کند. چنین تفسیری در مقطع اخیر پررنگ شده است و مجلاتی همچون تجارت فردا سعی دارند نشان دهند راه برون‌رفت از این وضعیت عقل بشری و علمی است که ما امروز به آن رسیده‌ایم و در مقطعی مسیر را اشتباه رفته‌ایم که افرادی مثل علی شریعتی را باید همان افرادی که ترویج راه اشتباه کرده‌اند، معرفی کرد.

این دوگانه چگونه شکل گرفته است؟

پایان ایدئولوژی‌ها یا افول سیاست در هستی باعث شد که دوگانه موجود در پس بزنری جنگ سرد که با هژمونی آمریکایی‌ها بود، شکل بگیرد که پیش‌فرض‌هایی را ایجاد کرده بود پس آرمان‌خواهی یعنی شکلی از حکومت کمونیستی و جوامعی مثل شوروی و هر دیگری در مقابل این ایده‌های نوعی عقلانیت و نوعی توجه به انسانی گرفتار در بند ایدئولوژی‌ها هستند. چنین منطقی اتفاقا نه در سال‌های اخیر، بلکه از دوره جنگ سرد رویانگ بوده، یعنی آمریکایی هرجا را که قصد داشتن تسلیم سیاسی و فرهنگی کند با برچسب‌هایی مانع آزادی یا علیه فردگرایی رویه‌رو می‌گردند.

این نوع عمل باعث می‌شد که مساله به سوژه‌های انسانی حرکت کند و لیبرالیسم نماد نوعی مدافع انسان آزادی‌خواه شود و دیگری او کمونیست انسان‌ها را به بردگی بگیرد و به تعبیر دقیق‌تر رضعیت ناانسانی درست کند؛ چنین برساختی تقریبا به احوال اعلی دستگاه امنیتی رژیم پهلوی هم تحت همان افکار لیبرالی موجود تبدیل شده بود و ساواک برای آنکه نشان دهد مخالفان خود علیه بردگی هستند از برچسب کمونیست استفاده می‌کرد. لفظ معروف کمونیست‌های مسلمان تقریبا برساختی است که در این دوره به دست رواج پیدا کرده بود اما پس از فروپاشی شوروی و پس از آنکه جوامع پساصنعتی شکل گرفت دیگر چنین دوگانه‌هایی واقعی نبود؛ چراکه به قول دنبل جوامع در دورانی به سر می‌بردند که در پایان ایدئولوژی‌های قرن ۱۹ قرار دارند و دیگر دگرییی ایدئولوژی در جوامعی که به سرعت در حال حرکت هستند مثل گذشته نیست و نخواهد بود. در این دوره جهان با افول سیاست روبه‌رو شده است و این شرایط به معنای شروع وضعیت عدم سیاسی است که در دوره ما به شدت وسیع شده است. در این هنگام است که دیگر امر سیاسی و سیاست معنایی تولید نمی‌کند و زندگی جوامع در حالتی قرار می‌گیرد که بیش از آنکه در پی آرمان جویی باشد به دنبال شکلی از زندگی است که منافع فردی را دنبال می‌کند و فردگرایی نه به صورت کمک به آزادی خواهی انسان‌ها بلکه در وجهی که منفعت‌طلبی را پیگیری می‌کند دنبال می‌شود در این شرایط است که پرسش از وضعیت بد عصر فعلی دیگر به نظام‌های کمونیستی و آرمان‌های بلند ربطی ندارد. سوژه‌های مختلف حالا با علم به اینکه سرمایه‌داری در شکل لیبرال آن هم تفاوتی با دوره کمونیستی نداشته است، پرسشی را طرح می‌کنند که اگر پایان ایدئولوژی یعنی شروع زندگی کردن پس چرا ما در شرایطی هستیم که در جهان تک‌قطبی رویاها و خواسته‌های جمعی و فردی محقق نشده است؟ در چنین شرایطی است که لیبرال دموکراسی در یک سوء استفاده خاص از هر مقطعی مجدد سعی کرده است به جای پاسخ به این ناکارآمدی به دوگانه‌ای تن دهد که بیش از آنکه واقعی باشد نوعی برساخت تاریخی است. در این موقعیت لیبرال‌ها به سرعت بحثی را مطرح می‌کنند که با همه ضعف‌ها در شرایط کنونی ما از خطر کمونیست شدن جوامع، انقیاد و اسیر شدن انسان‌ها جلوگیری کردیم که این هدیه زمینی ما به انسان‌ها بوده است. در چنین فرمی است که دوگانه مذکور مجدد با قدرت بازتولید می‌شود؛ یعنی خاستگاه جهانی دارد و حتی خاستگاه تاریخی، از لحظه فروپاشی شوروی به عنوان یک حکومت ایدئولوژی‌اندیش و پیرو نوعی از سبک زندگی که نماد تصرف انسان است. در واقع می‌توانیم چنین برداشتی داشته باشیم که نسخه لیبرال‌ها در همه مواقع که با پرسش از عدم کارکرد روبه‌رو بوده است تلاش کرده‌اند یک نوستالژیک سیاسی و یک امید سیاسی را بازتفسیر سازند تا بتوانند بقای خود را تضمین کنند. منظور از نوستالژیک سیاسی یعنی آنها با تفسیری از حکومت شوروی به عنوان دوره‌ای که سیاه است و این عصر سیاه مگر با قدرت عقلانیت برطرف نشده است، همیشه وجاهت غیرواقعی را از ایدئولوژی رقیب خلق کرده‌اند و در پس این وقایع آینده، را همیشه راهگشای وضعیت فعلی دانسته‌اند که نوعی امید سیاسی است که مخاطب را به جای پرسش از دوره خود به تلاش بیشتر برای رسیدن به رویاها هدایت می‌کند. این عمل اما به شکلی باعث آن شده است که سیاست دیگر معنای جدی نداشته باشد و تن به نوعی سیاست زدایی داده‌اند. هرچند لیبرال‌ها در بازتولید این دوگانه که نسخه‌ای آن در محله تجارت فردا است موفق بوده‌اند اما به شکلی باعث به وجود آمدن جوامع غیرسیاسی با شیب تندی شده‌اند. آنچه در رویایی غنی‌نژاد و شریعتی شکل گرفته است، بیش از آنکه محصول یک مقایسه فردی و نظری باشد برگرفته از یک اصل است که هرآنچه جوامع غیرسیاسی‌تر شوند افق اقتصادی مدنظر لیبرالیسم آنجا رشد بیشتری می‌کند یا به زبان ساده‌تر اقتصاد تمام ساحت زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را برای خود تسخیر می‌کند. این همان افقی است که به عنوان دستاورد سیاسی لیبرال‌های وطنی به تبعیت از لیبرال‌های جهانی به دنبال آن هستند که باید چنین بیان کرد که اصلی‌ترین دستاورد سیاسی آنها خواهد بود.

در پی شکل‌گیری ایده مجله تجارت فردا شکل جامعه و حکمرانی چگونه خواهد بود؟

اگر کتاب مرد نامرئی رالف الیسون (منتقد و کنشگر سیاسی سیاهپوست) را به عنوانی کتابی علیه تبعیض و ظلم در نظر بگیریم الیسون در آن کتاب معتقد است چون او سیاهپوست است به طور کلی توسط جامعه دیده نمی‌شود و از استعاره مرد نامرئی استفاده می‌کند؛ به نظر می‌رسد این استعاره به درستی وضعیتی را که در پس ایده سیاست‌زدایی که از افکار مجلاتی همچون تجارت فردا است را توضیح می‌دهد. سیاست‌زدایی در جامعه به نوعی باعث نامرئی شدن بسیاری از انسان‌ها می‌شود، چراکه نیروی وحدت بخش جامعه سیاست است و هنگامی که جامعه به صورتی از اقتصاد تقلیل داده شود یا به گفته هنری زیبو اقتصاد صورت اصلی زندگی شود، دیگر توقع آنکه همه انسان‌ها مرئی باشد وجود ندارد. در چنین جوامعی نابرابری باعث می‌شود بسیاری از افراد از شرایط خوبی برخوردار نباشد و دیگر دیده نشوند یا به قول رالف الیسون از نگاه جامعه محو شوند؛ این محوشدگی ارتباط مستقیمی با سیاست‌زدایی و پایان افق ایدئولوژی‌ها دارد، چراکه دیگر جوامع به دنبال آرمان خواهی که در پس آن انسان مرکز تحولات بود نیستند و انسان‌ها بیش از آنکه موضوعیت داشته باشند به شکلی از کارکرد اقتصادی تقلیل داده می‌شوند؛ یعنی انسانی مرئی و موفق است که در حوزه مادی و اقتصادی عملکرد قابل قبولی داشته است. در چنین حالتی اولین تحولی که شکل می‌گیرد عدم وجود جامعه است.

جامعه مانع از حکمرانی یا عامل حکمرانی: هرچند تعاریف وسیعی برای جامعه وجود دارد اما می‌توان بیان کرد که جامعه به مجموعه‌ای از انسان‌ها گفته می‌شود که سلسله نیازها و آرمان‌هایی را در یک‌دیگر ادغام می‌کنند که باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای از ارزش‌ها و سرنوشت مشترک می‌شود. در این تعریف همان‌طور که مشخص است جامعه برای تشکیل خود نیاز به آرمان و ارزش‌هایی دارد که بتواند از سرنوشت مشترک دفاعی کند. در پس ایده سیاست‌زدایی مجله تجارت فردا یا افکاری مشابه آن دقیقا همان ایده ماگزارت تاچر مبنی بر عدم وجود جامعه دوباره تداعی می‌شود که جامعه صرفا از تعدادا افرادی تشکیل می‌شود که هر کسی برای بقای خود می‌تواند تعیین سرنوشت کند؛ در چنین تفسیری هر شکلی از جامعه برای لیبرال‌های وطنی نوعی خیانت به حکمرانی است و آنها تلاش می‌کنند که به ما نشان دهند جامعه و توجه به جامعه ایده‌ای پوپولیستی است و سعادت و خیر انسان‌ها از آزادی اقتصادی و فردی و نوعی سیاست‌زدایی شکل می‌گیرد و اگر تن به ایده توجه به سعادت جامعه دهیم به نوعی بازگشت به تفکرات کمونیستی و چپ رقم خورده است. این نگاه دقیقا همان مسیری است که در پس دوگانه‌ای که قبل‌تر توصیف شد صورت بندی می‌شود؛ حال‌آنکه هدم جامعه به معنای ظهور هزاران و صدها هزار انسان نامرئی خواهد بود که لیبرال‌های وطنی آنها را به صورت افراد کم‌تلاش یاکمتر خلاق صورت‌بندی می‌کنند تا مانع از آن شود که جامعه‌ای با آرمان مشترکی شکل بگیرد؛ چراکه اگر جامعه برای طرحی از سرنوشت به آرمانی سیاسی و اجتماعی رجوع کند عدالت و نابرابری مساله حیاتی انسان‌ها می‌شود و این تفکر دیگر نمی‌پذیرد که انسان‌های نامرئی صرفا به جهت عدم تلاش فردی به حاشیه رفته‌اند یا طرد شده‌اند؛ در نتیجه آنچه مجله تجارت فردا به عنوان یکی از نمایندگان اقتصادی و سیاسی لیبرالیسم دنبال می‌کند، ایده‌ای است که هرگونه توجه به جامعه را نامعنی برای حکمرانی می‌داند.

آیا تئوری بی‌جامعه شدن خود شکلی از تفکر ایدئولوژیک نیست؟

لیبرالیسم همان‌طور که قبل‌تر شرح آن نوشتم خود را نماینده زندگی می‌داند و دیگری خود را نوعی مخالف زندگی بیان می‌کند. در حقیقت لیبرالیسم در عین حال که یک ایدئولوژی شده و رادیکال است در فرم ارائه خود سعی کرده خود را به شکلی از ایدئولوژی‌زدایی معرفی کند که مخاطبان لیبرالیسم را به یک ایدئولوژی بلکه یک تفکر منطقی وعلمی قلمداد کنند. اما در واقع کاری که ایدئولوژی لیبرال علی‌الخصوص در نسخه آمریکایی و نسخه‌ای که مجله «تجارت فردا» آن را نمایندگی می‌کند انجام می‌دهد نوعی تقلیل بحث سیاسی به ساحتی از بحث‌های تکنوکراتیک است. به زبان ساده‌تر آنها فرم بحث خود را تقلیل می‌دهند در ساحتی که چون عنصر سیاست وجود ندارد بوی ایدئولوژی استشمام نشود اما در واقع ایدئولوژی به‌صورت جدی و آشکار وجود دارد. با این تفاوت که جامعه مخاطب در این مواجهه به‌صورت ناخودآگاه و یا تاآگاهانه تن به این ایدئولوژی می‌دهد. در چنین موقعیتی همه بحث‌های روزمره در سیطره ایدئولوژی قرار می‌گیرد، یا شکلی رادیکالی از ایدئولوژی که همه سطوح از زندگی فردی را در برمی‌گیرد. با این تفاوت که فرد که عامل نوعی پیمام یا سبک زندگی است تصور می‌کند بیرون از ساحت ایدئولوژی‌ها مستقر شده است درحالی‌که او حمل‌کننده و سخت‌ترین شکل از یک فرد ایدئولوژیک است. به نوعی کار خاصی که مجله تجارت فردا یا افرادی مثل موسی غنی‌نژاد می‌کنند در عین آنکه به دنبال سیاست‌زدایی حداکثری از جامعه هستند به شکل نامرئی جامعه را ایدئولوژی‌زده می‌کنند و به صورتی این تفکر در عملی صحنه را ایدئولوژیک می‌کند. در عین حال نوعی رئوریک و خطابه زبانی را شکل می‌دهد که علیه هرگونه ایدئولوژی در حال حرکت است، این فرم سیاست‌ورزی دقیقا مساله‌ای است که هانا آرنت آن را مصرف کردن دولت نامگذاری کرده است.

مصرف دولت آخرین مدلی است که لیبرال‌های وطنی به آن روی آورده‌اند

جمله‌ای از جورج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا هست مبنی بر اینکه «نمی‌توانیم به تروریست‌ها اجازه دهیم مانع از خرید کردن ما شوند.» این جمله درست در عصری بیان شده است که ایالات متحده آمریکا برای بقای سیاسی خود روی به مدل اقتصادی آورده است که بیش از توجه به اندازه دولت مهم‌ترین وظیفه حکمرانی را بستری می‌داند که بیشترین حجم مصرف را فراهم کند به‌گونه‌ای که دولتی موفق است که بتواند مصرف‌گرایی را تبدیل به ایدئولوژی اول کشور و از طریق نظم لیبرالی به ایدئولوژی اول دنیا تبدیل کند. این مصرف‌گرایی با اشکال گذشته خود به‌شدت متفاوت است و به اندازه‌ای دچار دگردیسی شده است که رئیس جمهور کشور آمریکا هنگامی که می‌خواهد وجهه اجتماعی خطر تروریست‌ها را بیان کند به تفکری از آنها اشاره دارد که مانع از خرید کردن می‌شوند. اینجا خرید کردن دیگری عادی نیست یا منظور نوعی زیست روزمره نیست بلکه اساس ایدئولوژی متاخر لیبرال‌ها همان نئولیبرالیسم است که باید خود را در سطح زندگی فردی بازتولید کند و به تفسیری این وضع همان ناخودآگاه ایدئولوژیک شدن امر روزمره است به نام زندگی علمی و نوعی رفاه‌طلبی که از طریق هنر زبان و پروپاگاندا رسانه‌ای و فرهنگی آمریکایی‌ها در حالتی به نام رویای آمریکایی پیگیری می‌شود؛ به‌گونه‌ای که لیبرالیسم قصد دارد به ما بگوید آرمان‌گرایی بد نیست بلکه آرمان‌گرایی در غایت سیاسی و دفاع از مقام انسانی است که مطلوب نیست. در غیر این‌صورت دفاع از آرمانی به نام مصرف و زندگی مصرف‌گرایی که باعث انباشت ثروت و سرمایه می‌شود و جامعه را هم به‌صورت اتوماتیک سیاست‌زدایی می‌کند آرمان اصلی لیبرالیسم از لحظه شروع به فعالیت در نسخه متاخر بوده است. هرچند هانا آرنت خیلی قبل‌تر از این دگردیسی مصرف زندگی کرده است اما طرح بحث او دفاع او از آزادی فردی که بسیاری به اشتباه او را مدافع لیبرالیسم معرفی می‌کنند بیش از آنکه آرمانی لیبرالی باشد دفاع از مقام انسان در شرایطی است که انسان از طریق امر خصوصی بتواند مانع دخالت همین شکل از سیاست در زندگی شود. به‌نوعی آرنت معتقد است در وضعیتی که انسان از طریق شکل خاصی از نیروی کار مجبور است به سیاستی که از بیرون به آن وارد شود تن دهد تا مصرف‌کننده صرف شود باعث می‌شود عمل او فقط در راستای خواسته‌هایی پیش رود که حتی مجبور می‌شود دولت را هم مصرف کند و دولت که محلی برای سرو سامان دادن هست و وظیفه اصلی او همبستگی اجتماعی است و در پس آن قدرت گرفتن دولت می‌شود جامعه‌ای با نتیجه خیر عمومی را شکل داد که البته یک رابطه دوطرفه است. در وضعیتی که فقط دولت منابع و شرایطی برای مصرف روزمره انسان‌ها را درست کند بعد از مدتی دولت هم مصرف می‌شود و به زبانی بهتر یا وضعیت بی‌دولتی روبه‌رو هستیم؛ چراکه مصرف‌گرایی مقاومت شخص فرد در مقابل هرگونه تصرفی را بی‌معنا می‌کند و بعد از مدتی فرد صرفا مصرف‌کننده‌ای است که دولت را در مقام یک بنگاه سوددهنده تصور می‌کند و این شرایط که او در کتاب «وضع بشر» خودش توصیف می‌کند عامل شکل‌گیری وضعیت ناانسانی است. این وضعیت باعث مصرف کردن دولت می‌شود و در این صورت سیاست و امر سیاسی جای خود را به امر اجتماعی می‌دهد که در پس مصرف است، اینجا سیاست به مدیریت تقلیل پیدا می‌کند و همه انسان‌ها به موتور محرکی تبدیل می‌شوند و فقط از حکمرانی دفاع می‌کنند که بیشترین سود را به‌صورت فردی به آنها برساند و چنین امری غیرممکن است؛ چراکه دولت در این وضع مصرف شده است و اصلا هیچ سیاستی برای بقا وجود ندارد و بعد از مدتی حکمرانی هم به علت تقلیل جامعه به افراد و نوعی مدیریت کردن دچار فروپاشی از منظر ایده، می‌شود و در واقع ما با آنارشیسمی به نام لیبرالیسم روبه‌رو خواهیم بود. کاری که تا حدود وسیعی نئیرنانی مثلث تجارت فردا با ایده‌های موسی غنی‌نژاد در حال شکل‌دهی آن هستند. این طیف هرچند در خطابه‌های خود از عدم دخالت دولت و تن دادن به خصوصی‌سازی و مالکیت فردی بحث می‌کنند اما در واقعیت در پس دگرگونی که مصرف‌گرایی متاخر قرار داده است سعی می‌کنند دولت را مصرف کنند و دولت را به یک نوع تنظیم‌گرایی انباشتن سرمایه دعوت کنند تا از این طریق در عمل کاملا ایدئولوژیک از جامعه سیاست‌زدایی کنند و در پس آن ایدئولوژی خود را برتری دهند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد هرچند دوگانه شریعتی و غنی‌نژاد و دگردیسی نسل فعلی نوعی برساخت رسانه‌ای است، اما اهداف وسیعی‌تر را مثل همان سیاست‌زدایی از جامعه و در پس آن جامعه‌زدایی و بعد از آن مصرف دولت را در نظر دارد. این افکار به دنبال آن است به‌گونه‌ای طرح بحث کند که نسل امروزی مخالف هرگونه ایدئولوژی است و از طرف هرگونه آرمان‌خواهی شکل می‌گیرد. این برساخت دقیقا به دنبال آن است که از طریق رئوریک علمی و به‌صورت ناخودآگاه ایدئولوژی را جایگزین ایدئولوژی دیگر کند ولی چون سال‌ها علیه وضعیت ایدئولوژیک دامنان سرایی کرده است به جای طرح بحث‌های جدی درباره افق ایدئولوژی خودش سعی می‌کند ایدئولوژی خود را در صورتی زیبا و غیرایدئولوژیک معرفی کند و صرفا با دوگانه‌انگاری که تاریخی فراگرفته است مسائل خود را دنبال کند. اما آنچه مشخص است مجله تجارت فردا و موسی غنی‌نژاد ایدئولوژیک‌ترین افراد و تفکر هستند و حتی این ایده باعث می‌شود هر انسان معمولی از صدها مانیفست نویس هم ایدئولوژیک‌اندیش‌تر شود.

ادامه از صفحه ۱۴

فرهیختگان
صدای تخیگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a6۶۳۲۸۰۱۸@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY
کانون تبلیغاتی سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school
ارائه مدرک معتبر و رسمی مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی
Farhikhteghan_school

شرکت ملی حفاری ایران
مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای - نوبت اول
آگهی مناقصه - نوبت دوم
مناقصه عمومی دومرحله‌ای (همراه با ارزیابی کیفی)
موضوع مناقصه : - خرید لوازم مورد نیاز:

نام مناقصه‌گذار	شماره تقاضا/ مناقصه	شرح تقاضا	مبلغ برآورد (ریال/ارز)
شرکت ملی حفاری ایران	۰۲۳۴۳۰۹	لوازم روشنایی	۲۶٬۷۵۰٬۰۰۰٬۰۰۰

روش ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:

روش ارزیابی	بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام‌های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می‌شود. انجام می‌گردد. (حداقل امتیاز=۵۰)

نحوه دریافت/ تحویل اسناد مناقصه:

دریافت اسناد	تاریخ شروع دریافت	توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت
توسط شرکت	محل دریافت	از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir - تلفن تماس ۰۶۱-۳۴۱۴۷۷۷۷ مرکز خانم عرب‌زاده
	آخرین مهلت	۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد
تحویل اسناد به شرکت	محل تحویل	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانتنامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه-شرکت ملی حفاری ایران-ساختمان پایگاه عملیاتی-طبقه اول راه‌پله-اتاق ۱۷- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- شماره تماس ۳۲۴۹۵۵۸۴-۰۶۱

تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند اجرای کار):

مبلغ تضمین	۷۳۳۸٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال
انواع تضامین قابل قبول	ضمانتنامه بانکی یا تضامینات معادل آن صادر از سوی موسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۲۰۰۱۱۱۴۰۰۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا: IR ۰۶۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۱۱۱۴۰۰۳۷۶۶۳۶) ۹۴/۰۲۰۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۲ و بذیرش می‌باشد. - و سایر تضمین‌های معتبر در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۴ ت ۱۲۲۴۲/ مورخ ۹۴/۲/۳۱
مدت اعتبار پیشنهاد/تضمین	۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

تذکر: با توجه به بخشنامه شماره ۹۸/۱۲۸۶۶۹ مورخ ۹۸/۰۴/۰۳ معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت مبنی بر به‌کارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ثبت نام کلیه متقاضیان حضور در مناقصات، مزایدات شرکت ملی حفاری ایران در پایگاه www.setadiran.ir الزامی می‌باشد.
www.nidc.ir http://sapp.ir/nidc_pr
کانال های اطلاع‌رسانی شرکت ملی حفاری ایران- «اداره مناقصات و قراردادهای تدارکات کالا»
شماره شباب: ۱۶۲۸۹۵۹

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
۱- براثر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۰۳۰۰۳۷۷۹۹ مورخه ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا صورت‌های مالکانه بلامعارض متقاضی جعفر ساتیی فرعونیت و شماره فرعی شماره ۲۵۴ صادره از بوئین زهرا فرند بهادر در سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۹۱۶۳ مترمربع از ۸۷ اصلی واقع در بخش ۸ قزوین موسومه رحمت آباد رزگ حیدری شده از مالکیت رسمی و مشاعی آقای شکراله رحمانی موضوع صدور سند شماره ۵۱۳۳۲ مورخه ۱۳۵۱/۰۱/۲۷ ، مالکیت آقای محمدتقی رحمانی موضوع صدور سند رسمی شماره ۵۱۳۱۰ و مالکیت آقای قربانعلی رحمانی موضوع صدور سند شماره ۵۱۲۴۴ دفتر ۱۷ قزوین موجب پیوند کلاسه ۳۷۹۷۰۰۳۰۰۳۰۰۳۷۴۷۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۴۰ محرز گردیده است.
۲- براثر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۰۳۰۰۳۷۸۰۱ مورخه ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا صورت‌های مالکانه بلامعارض متقاضی بهلوله آسائی وجی به شماره فرعی شماره ۲۵۶۷ صادره از بوئین زهرا فرند محمدعلی در سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۹۱۳ مترمربع از ۸۷ اصلی واقع در بخش ۸ قزوین موسومه رحمت آباد رزگ حیدری شده از مالکیت رسمی و مشاعی آقای شکراله رحمانی موضوع صدور سند رسمی شماره ۵۱۳۳۲ مورخه ۱۳۵۱/۰۱/۲۷ ، مالکیت آقای محمدتقی رحمانی موضوع صدور سند رسمی شماره ۵۱۳۱۰ و مالکیت آقای قربانعلی رحمانی موضوع صدور سند شماره ۵۱۲۴۴ دفتر ۱۷ قزوین موجب پیوند کلاسه ۳۷۸۰۰۳۰۰۳۰۰۳۷۸۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۴۰ محرز گردیده است.
لذا به مفاد مواد اخیرالذکر عمل می‌گردد، به فاصله ۱۰ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت معترض اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به همراه مدارک و مستند به دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد. درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷
شماره شباب: ۱۶۳۸۶۶۶
سرپرس محمدبیگی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بوئین زهرا

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
۱- براثر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۰۳۰۰۳۷۷۹۹ مورخه ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا صورت‌های مالکانه بلامعارض متقاضی بهلوله آسائی وجی به شماره فرعی شماره ۲۵۶۷ صادره از بوئین زهرا فرند محمدعلی در سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۹۱۳ مترمربع از ۸۷ اصلی واقع در بخش ۸ قزوین موسومه رحمت آباد رزگ حیدری شده از مالکیت رسمی و مشاعی آقای شکراله رحمانی موضوع صدور سند رسمی شماره ۵۱۳۳۲ مورخه ۱۳۵۱/۰۱/۲۷ ، مالکیت آقای محمدتقی رحمانی موضوع صدور سند رسمی شماره ۵۱۳۱۰ و مالکیت آقای قربانعلی رحمانی موضوع صدور سند شماره ۵۱۲۴۴ دفتر ۱۷ قزوین موجب پیوند کلاسه ۳۷۸۰۰۳۰۰۳۰۰۳۷۸۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۴۰ محرز گردیده است.
لذا به مفاد مواد اخیرالذکر عمل می‌گردد، به فاصله ۱۰ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مال